

خاستگاه تاریخی نگارش کتاب «منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر»

سید مقداد نبوی رضوی

کارشناس ارشد تاریخ اسلام - دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر از مکتوبات مهم عالمان شیعی مذهب در تبیین و شرح آموزه مهدویت شیعی است. آنچه به این کتاب اهمیت می‌بخشد، روش نویسنده در نشان دادن تواتر لفظی یا معنوی بسیاری از روایات مهدویت است که اصالت شیعی آن‌ها را آشکارا به دست می‌دهد. خاستگاه نگارش این کتاب مواجهه آیه الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی با تبلیغات بهائیان در بروجرد بود که با خواست او، از سوی شاگرد برجسته اش، آیه الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، به نگارش این کتاب انجامید.



کلیدواژه‌ها: منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، ساختار نظام مند مهدویت شیعی، بهائیان، آیه الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، آیه الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی.

دیباچه

دسته‌بندی‌های مختلف، هریک، ویژگی‌هایی چند از مهدی را به دست داده‌اند. در برخی از آنها، از طول عمر او سخن به میان آمده و در برخی دیگر، چگونگی نسبش تا پیامبر اسلام به گونه‌هایی چند گفته شده است. در بعضی از آنها، از ویژگی‌های پدر و مادر وی یاد شده و در بعضی دیگر، چگونگی غیبت او به دست داده شده است و

کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر (نوشته آیه‌الله شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی: ۱۲۹۷ تا ۱۴۰۰ ش.) یکی از آثار مهم نگاشته‌شده از سوی عالمان شیعی مذهب در بحث مهدویت شیعی است. با تأمل در این کتاب و مطالعه روشمندان، آن، همبستگی روایت‌های آن باورداشت به گونه‌ای آشکار به دست می‌آید.^۱

همان‌گونه که بعدها با بسط و تفصیل به دست داده خواهد شد، تحلیل برخاسته از این دسته‌بندی، «ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی» نام داشته و گام پنجم از «نگاه تاریخی به باورداشت مهدویت شیعی» است که با روش تاریخی محض و جدا از باور به مذهب تشیع، نشان می‌دهد امامان یازده‌گانه

دانسته است که بشارت به ظهور «مهدی آل محمد» را شیعیان و سنیان، با وجود اختلاف‌های بنیادینی که همواره داشته و دارند، به صاحب شریعت اسلام منسوب کرده و در باور به آن با یکدیگر همراهند؛ از این روی، اصل باورداشت مهدویت خاستگاهی اسلامی و نه تنها شیعی داشته و انتساب آن به پیامبر اسلام به گونه‌ای منطقی و تاریخی پذیرفته می‌شود.

دانسته است که بشارت به ظهور «مهدی آل محمد» را شیعیان و سنیان، با وجود اختلاف‌های بنیادینی که همواره داشته و دارند، به صاحب شریعت اسلام منسوب کرده و در باور به آن با یکدیگر همراهند؛ از این روی، اصل باورداشت مهدویت خاستگاهی اسلامی و نه تنها شیعی داشته و انتساب آن به

پیامبر اسلام به گونه‌ای منطقی و تاریخی پذیرفته می‌شود. در این میان، آنچه مورد اختلاف دو گروه

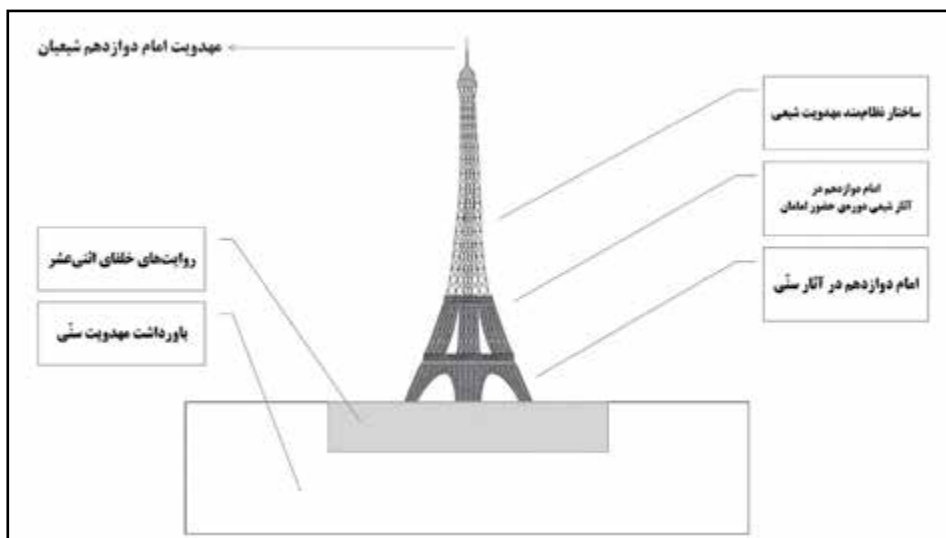
بزرگ مسلمانان بوده، ویژگی‌های مهدی است. در میان روایت‌های بسیار شیعیان که برخاسته از گفته‌ها یا نگاشته‌های اصحاب امامان اهل بیت‌اند، احادیث گوناگونی دیده می‌شوند که در

۱. باورداشت مهدویت سنی؛
۲. روایت‌های خلفای اثنی‌عشر و تنها توان شیعیان امامی‌مذهب در نشان دادن مصداق‌های آن خلیفگان؛

بزرگ مسلمانان بوده، ویژگی‌های مهدی است. در میان روایت‌های بسیار شیعیان که برخاسته از گفته‌ها یا نگاشته‌های اصحاب امامان اهل بیت‌اند، احادیث گوناگونی دیده می‌شوند که در

۳. امام دوازدهم شیعیان در آثار اهل سنت؛
۴. امام دوازدهم شیعیان در آثار شیعی دوره حضور امامان؛

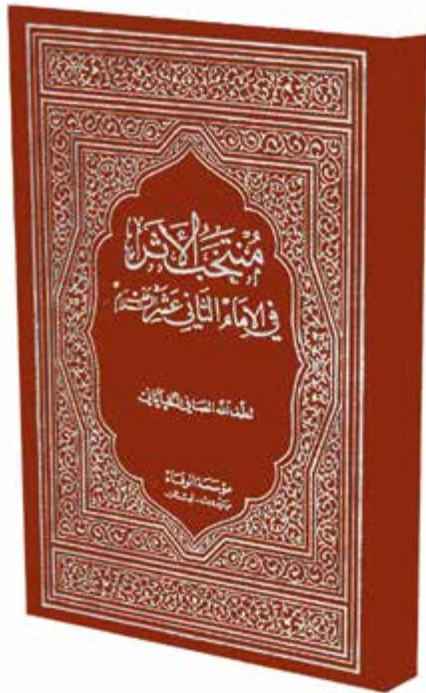
۱. این مقاله برای بزرگداشت هفتادمین سال نگارش کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر نگاشته شده بود، اما چون آن بزرگداشت در عمل به انجام نرسید و صورتی محدود یافت، با تجدیدنظری مهم در اینجا به چاپ می‌رسد.



نمای سازه «نگاه تاریخی به باورداشت مهدویت شیعی»
(گام پنجم: ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی)

۵. امام دوازدهم شیعیان در آثار شیعی دوره ابتدایی غیبت: «ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی».
- با این پیشینه است که بر پایه آماری که در کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر آمده، هویت شیعی مهدی را در این مسیر می‌توان یافت. در این سنجش، عددی که برای هر مورد موضوعی آورده شده، تعداد روایت‌هایی است که آن مورد موضوعی را آشکارا به دست می‌دهند یا آن که آن مورد موضوعی را از آن‌ها می‌توان برداشت کرد. به سخن دیگر، آن مورد موضوعی را آشکارا یا با نتیجه‌گیری منطقی در آن تعداد روایت می‌توان یافت:
۱. امامان دوازده تن هستند: ۲۷۱ روایت؛
 ۲. تعداد امامان مانند تعداد نقباء بنی اسرائیل [۱۲ تن: ولقد أخذ الله میثاق بنی اسرائیل وبعثنا منهم اثنی عشر نقیباً (مائده: ۱۲)] است: ۴۰ روایت؛
 ۳. امامان دوازده تن هستند و نخستین ایشان امام علی بن ابی طالب است: ۱۳۳ روایت؛
 ۴. امامان دوازده تن هستند و نخستین‌شان امام علی بن ابی طالب و آخرین‌شان مهدی است: ۹۱ روایت؛
 ۵. امامان دوازده تن هستند و آخرین‌شان مهدی است: ۹۴ روایت؛
 ۶. امامان دوازده تن بوده و نه تن ایشان از فرزندان امام حسین بن علی هستند: ۱۳۹ روایت؛

۷. امامان دوازده تن بوده و نه تن ایشان از فرزندان امام حسین بن علی هستند که آخرین ایشان قائم‌شان است: ۱۰۷ روایت؛
۸. مهدی دوازدهمین امام و آخرین ایشان است: ۱۳۶ روایت؛
۹. نام‌های امامان دوازده‌گانه: ۵۰ روایت؛
۱۰. نام و کنیه مهدی نام و کنیه پیامبر اسلام است: ۴۸ روایت؛
۱۱. مهدی از فرزندان امام علی بن ابی‌طالب است: ۲۱۴ روایت؛
۱۲. مهدی از فرزندان دو سبط پیامبر اسلام است: ۱۰۷ روایت؛
۱۳. مهدی از فرزندان امام حسین بن علی است: ۱۸۵ روایت؛
۱۴. مهدی از امامان نه‌گانه و از فرزندان امام حسین بن علی است: ۱۶۰ روایت؛
۱۵. مهدی فرزند نهم از نسل امام حسین بن علی است: ۱۴۸ روایت؛
۱۶. مهدی از فرزندان امام علی بن الحسین است: ۱۸۵ روایت؛
۱۷. مهدی از فرزندان امام محمد باقر است: ۱۰۳ روایت؛
۱۸. مهدی از فرزندان امام جعفر صادق است: ۱۰۳ روایت؛
۱۹. مهدی ششمین فرزند از نسل امام جعفر صادق است: ۹۹ روایت؛
۲۰. مهدی از فرزندان امام موسی کاظم است: ۱۰۱ روایت؛
۲۱. مهدی پنجمین فرزند از نسل امام موسی کاظم است: ۹۸ روایت؛
۲۲. مهدی چهارمین فرزند از نسل امام علی بن موسی الرضا است: ۹۵ روایت؛
۲۳. مهدی سومین فرزند از نسل امام محمد جواد است: ۹۰ روایت؛
۲۴. مهدی از نسل امام علی بن محمد الهادی است: ۹۰ روایت؛



۱. نواده دختری امام حسن بن علی و نواده پسر امام حسین بن علی.

۲۵. مهدی فرزند امام حسن عسکری است: ۱۴۶ روایت؛
روایت؛
۲۶. نام پدر مهدی حسن است: ۱۴۷ روایت؛
۲۷. مادر مهدی «سیده الإمام» است: ۹ روایت؛
۲۸. هنگامی که سه نام «محمد» و «علی» و «حسن» در میان امامان پی در پی شد، چهارمین ایشان قائم آل محمد خواهد بود: ۲ روایت؛
۲۹. ولادت مهدی پنهانی است: ۱۴ روایت؛
۳۰. کسانی که مهدی را در زمان امام حسن عسکری دیدند: ۱۹ روایت؛
۳۱. برخی معجزات مهدی در زمان امام حسن عسکری: ۹ روایت؛
۳۲. در مهدی سنت‌هایی از پیامبران گذشته هست: ۲۳ روایت؛
۳۳. مهدی دارای حیاتی بسیار دیرپای و عمری بسیار طولانی است: ۳۱۸ روایت؛
۳۴. مهدی غیبتی طولانی دارد: ۹۱ روایت؛
۳۵. مهدی دارای دو غیبت است: ۱۰ روایت؛
۳۶. فضیلت مؤمنان به مهدی در دوران غیبت او: ۲۳ روایت؛
۳۷. فضیلت انتظار فرج: ۲۳ روایت؛
۳۸. برخی وظایف شیعیان نسبت به مهدی: ۵۴ روایت؛
۳۹. مهدی پس از امتحان شدید مردم آشکار خواهد شد: ۲۴ روایت؛
۴۰. نداء آسمانی به نام مهدی و به نام پدر او: ۲۷ روایت؛
۴۱. یاران سی صد و سیزده گانه مهدی: ۲۵ روایت؛
۴۲. فضیلت‌های اصحاب مهدی: ۱۴ روایت؛
۴۳. نیرومندی و شدت اصحاب مهدی: ۵ روایت؛
۴۴. فضیلت کسانی که مهدی را دریافته و پیرو او باشند: ۱۰ روایت؛
۴۵. میراث پیامبران گذشته نزد مهدی است و خداوند معجزات ایشان را به دست او دوباره آشکار می‌کند: ۵ روایت؛
۴۶. مهدی مشارق و مغارب زمین را خواهد گرفت: ۱۲ روایت؛
۴۷. آکندگی زمین از عدل و داد در زمان مهدی: ۱۲۹ روایت؛
۴۸. مهدی منتقم از دشمنان خداوند است: ۴ روایت؛
۴۹. مهدی دشمنان خداوند را می‌کشد و زمین را از پلیدی شرک پاک می‌کند: ۱۹ روایت؛

در این سنجش، عددی که برای هر مورد موضوعی آورده شده، تعداد روایت‌هایی است که آن مورد موضوعی را آشکارا به دست می‌دهند یا آن که آن مورد موضوعی را از آن‌ها می‌توان برداشت کرد. به سخن دیگر، آن مورد موضوعی را آشکارا یا با نتیجه‌گیری منطقی در آن تعداد روایت می‌توان یافت.

۵۰. مهدی دجال را خواهد کشت: ۶ روایت؛
۵۱. مهدی با سفیانی جنگیده و او را خواهد
کشت: ۲ روایت؛

۵۲. عیسی بن مریم به زمین هبوط کرده و پشت
سر مهدی نماز خواهد خواند: ۲۹ روایت؛
۵۳. مهدی امر خداوند و دیانت اسلام را بر زمین

چینشی که در بالا (شماره‌های ۱ تا ۲۸) آمده، از
ویژگی‌های عمومی و بازآغاز شده و گام به گام در
ویژگی‌های شخصی مهدی خصوصی‌تر و تنگ‌تر
شده و با هم‌گرایی به سوی یک
نقطه، سرانجام، در این که او
محمد بن الحسن العسکری
است، به پایان می‌رسد و پس
از آن (شماره‌های ۲۹ تا ۶۱)،
به ویژگی‌های دیگری از او، از
ولادت گرفته تا غیبت و ظهور،
می‌رسد.

هرکدام از مؤلفه‌های ۱ تا ۲۸
را - مانند آنچه در نمای «نگاه
تاریخی به باورداشت مهدویت
شیعی» آمده - به یک تیر فلزی

می‌توان مانند کرد و مقاومت مصالح آن تیر را
نیز بر پایه تراز یادشدنش در آثار (عددهای جلو
آن) می‌توان دانست. بر پایه این تشبیه است
که دیده می‌شود برخی از تیرها، به سبب تراز
بالای نقل، به خودی خود از مقاومتی بسیار بالا
برخوردارند که توانی در شکستنشان نمی‌ماند
اما برخی دیگر از توانی کم‌تر و گاه بسیار کم
برخوردارند؛ با این حال، نگاه هم‌زمان به آن‌ها

۱. الشيخ لطف‌الله الصافی الگلپایگانی، منتخب الأثر فی
الإمام الثانی عشر، الفهرست.

این استحکام، همان ضرورت
انتساب تاریخی مهدویت امام
دوازدهم به امامان یازده‌گانه
شیعیان است. چنان که گفته
شد، از آن بخش بالایی سازه
«نگاه تاریخی به باورداشت
مهدویت شیعی» - که بیشتر
بر تحلیل آثار دوره ابتدایی
غیبت استوار است - به «ساختار
نظام‌مند مهدویت شیعی» یاد
می‌شود.

گسترش داده و سلطنت
جهانی خواهد داشت: ۴۷
روایت؛

۵۴. مهدی مردم را به سوی
قرآن و سنت پیامبر اسلام
می‌برد: ۱۵ روایت؛

۵۵. در زمان مهدی، همه
ملت‌ها به اسلام خواهند
گروید: ۷ روایت؛

۵۶. عدالت و امنیت در زمان
مهدی: ۷ روایت؛

۵۷. بخشش و سخاوت‌مندی مهدی: ۱۳
روایت؛

۵۸. نزول برکات آسمانی و آشکاری برکات
زمینی در زمان حکومت مهدی: ۱۲ روایت؛

۵۹. آبادی زمین در زمان حکومت مهدی: ۵
روایت؛

۶۰. بیرون آمدن گنج‌ها و معدن‌های زمین در
زمان حکومت مهدی: ۱۰ روایت؛



حاج آقا حسین بروجردی در سال‌های اقامت در بروجرد

نیز پدر بزرگ پدر بزرگ یکی از مراجع تقلید بزرگ شیعیان، حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، شد: سید محمد حسین فرزند سید علی فرزند سید احمد فرزند سید علی نقی فرزند سید جواد طباطبایی بروجردی.

حاج آقا حسین بروجردی (۱۲۹۲ تا ۱۳۸۰ ق.) تحصیلات عالی فقهی و اصولی خود را در حوزه علمیة اصفهان به انجام رساند و پس از رسیدن به مقام اجتهاد، به نجف رفت و در میان برترین شاگردان ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایة الأصول) جای گرفت. وی، پس از دریافت اجازه نامه‌ای مهم از استاد خود، در سال ۱۳۲۹ ق. به بروجرد بازگشت تا پس از دیدار با خانواده، دیگر بار به نجف بازگردد اما از وفات استاد خود آگاه شد و در زادگاه خویش ماند و حدود ۳۴ سال در آنجا به تحقیقات علمی گسترده و تربیت

که در پیچ‌شدن‌شان به یکدیگر و ساختن بخش بالایی سازه «نگاه تاریخی به باورداشت مهدویت شیعی» مثل‌زدنی است، گویای آن است که سازه‌ای با اجزای هم‌مسیر و هم‌سان که هریک، در عمل، ویژگی‌هایی گوناگون از «یک تن» را می‌نمایانند، پیش‌روست که گام به گام باریک‌تر شده و سرانجام به مهدویت آن «یک تن» - که امام دوازدهم شیعیان است - هم‌گرا می‌شود و در پیوستگی اجزای خود با هم جسمی صلب و ناشکستنی است. این استحکام، همان ضرورت انتساب تاریخی مهدویت امام دوازدهم به امامان یازده‌گانه شیعیان است. چنان‌که گفته شد، از آن بخش بالایی سازه «نگاه تاریخی به باورداشت مهدویت شیعی» - که بیشتر بر تحلیل آثار دوره ابتدایی غیبت استوار است - به «ساختار نظام‌مند مهدویت شیعی» یاد می‌شود. براین پایه، آگاهی از خاستگاه تاریخی نگارش این کتاب از اهمیت برخوردار است و باید گفت که اساس آن در واکنش به دعوت بهائیان بوده است.

حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی

شاخه‌ای از خاندان طباطبایی (سادات حسنی از نسل ابراهیم طباطبا) از دیرباز در شهر بروجرد اقامت داشته‌اند. در میان ایشان، سید مرتضی فرزند سید محمد فرزند سید عبدالکریم طباطبایی دو فرزند با نام‌های سید محمد مهدی و سید جواد داشت که نخستین، با نام سید محمد مهدی بحر العلوم، در میان مشهورترین فقیهان شیعی مذهب جای گرفت و دومین

فراز و فرود بهائیت در بروجرد به روایت بهائیان

به روایت داعی تراز اول بهائی، اسدالله فاضل مازندرانی، آیین بهائی در دوره میرزا حسینعلی بهاءالله در بروجرد رواجی نیافت اما در سال‌های زعامت عباس افندی، «در سال ۱۳۲۸ [ق.ا.]، جریان و نبعانی نمود و عده‌ای فائز به ایمان شدند، از آن جمله، برادران حاجی سید حسن و حاجی سید علی اکبر آوارگان و حاجی میرزا حسن نیکو و مقدم بر کل، حاجی عبدالرحیم که از بروجرد، نظر به امور تجارتش، به همدان رشت رفت و در آنجا، با فاضل مازندرانی ملاقات کرده، در یک جلسه، موفق به ایمان و اشتعال

شاگردان روی آورد و به مرجع تقلید سرشناس صفحات غربی ایران مبدل شد. وی سپس، با خواست سید صدرالدین صدر (جانشین شیخ عبدالکریم حائری یزدی در زعامت حوزه علمیه قم)، به آن شهر رفت و با اقامت در آنجا، فصلی نوین را در فقاهت مذهب تشیع رقم زد و چندی بعد، در مقام بالاترین مقام دینی آن مذهب جای گرفت.

یکی از کارهای مهم حاج آقا حسین بروجردی در سال‌های اقامت در بروجرد واکنش به تبلیغات بهائیان بود که از حدود یک سال پیش از بازگشت او از نجف در آن شهر آغاز شده بود.



حاج آقا حسین بروجردی (شماره ۳) در درس ملا محمد کاظم خراسانی در نجف
(نگارخانه علمای شیعه)

گردید و مراجعت به بروجرد نمود و فی الحقیقه، موجب بیداری و قیام آن جمع گردید.» فاضل مازندرانی سپس از روی مکتوبات یکی از آن بهائیان (سید علی اکبر آوارگان) آنچه در رابطه با تبلیغ‌های بهائیان بروجرد و واکنش مسلمانان و عالمان دینی آن شهر و از جمله، حاج آقا حسین بروجردی یافته، بازگفته است.

بنا بر آن مکتوب، میرزا احمدخان نراقی که ریاست تحدید تریاک را در بروجرد عهده‌دار شده بود، بهائی بود و «پس از ورود، اشخاصی زمزمه‌هایی می‌کردند که رییس تحدید بایی است ولی

از جانب خودش در آن موقع هیچ‌گونه اظهاراتی نبود.» مدتی بعد، سید علی اکبر آوارگان، در منزل نراقی، توسط یکی از دوستان قدیمی‌اش به آیین بهائی دعوت شد. این شخص همان حاج عبدالرحیم بود که در رشت، به سبب تبلیغ فاضل مازندرانی، بهائی شده بود. بر پایه سخنان تبلیغی او، بر آن شدند تا به یکی از بهائیان اراک پیغام داده و کتاب *ایقان* (نوشته بهاء الله در اثبات امر باب) را بخواهند:

قریب پانزده روز گذشت که کتاب وارد شد. رییس تحدید و اخوی و شخص رشتی با یک نفر دیگر، از اول شب، منزل بنده حضور یافتند [و] شروع کردیم به تلاوت کتاب. چند صفحه که تلاوت گردید، از آن لحن عبارت و فصاحت کلام، بنده تا اندازه‌ای

منقلب شدم که تهور حالم ساکت و دانستم که قابل تعمق است. قسم به خدا! اگر این ظهور اعظم هیچ‌گونه معجزاتی دارا نبود، فقط نزول کتاب مستطاب ایقان برای عالم کافی بود؛ چه که بیانات این کتاب به مثابه طفلی که از مقام شیرخوارگی تدریجاً استعداد بدهند تا به سن رشد رسد، بیانات این کتاب مستطاب نیز

به شخص مجاهد به همین نحو تدریجاً از خرافات آن کاهیده و بر معلومات آن می‌افزاید [و] اگر صدها مرتبه تلاوت شود، باز نکاتی تازه دریافت و استنباط می‌نماید.

آن شب، تقریباً نصف کتاب تلاوت شد. شب بعد نیز بقیه تلاوت گردید. بعداً، چون احتیاج به دلایل نقلی داشتیم، کتاب فرائد را هم قرائت [و] پس از قرائت و مطابقه نمودن اخبارات آن با مجلدات بحارالانوار و اصول کافی، مجدداً مراجعه به کتاب ایقان نموده، باز، مراجعه به کتاب فرائد. البته در این مورد موهومات هم زیاد و شخص مبلغ که خیلی احاطه داشته باشد، نیست که بتواند مشکلات آن را حل نماید.

قضیه را به چند نفر از علماء و طلاب جلسه صاحب الزمان [که روزهای جمعه مجلس دعای ندبه و توسل داشتند] اظهار و از ایشان نیز دعوت شد که شب‌ها حاضر شده، آن‌ها نیز استماع نمایند. آن‌ها نیز کتاب ایقان و فرائد را استماع [و] پس از خاتمه، بنده را نصیحت کردند که: «مراجعه

فاضل مازندرانی سپس از روی مکتوبات یکی از آن بهائیان (سید علی اکبر آوارگان) آنچه در رابطه با تبلیغ‌های بهائیان بروجرد و واکنش مسلمانان و عالمان دینی آن شهر و از جمله، حاج آقا حسین بروجردی یافته، بازگفته است.

به این‌گونه کتاب ذهن شما را پریشان می‌نماید. خوب است شما نیز موقوف نمایید! «آن‌ها نیز دیگر حاضر نشدند و قرار دادند که موضوع این جلسه را نه ایشان به کسی اظهار نمایند و نه بنده. بعداً، برای آگاهی و فهم قضیه، ناچار شدیم یک عده دیگر از رفقای جلسه صاحب الزمان را دعوت کردیم. آن‌ها نیز شب‌های متوالی حضور یافتند.

پس از تلاوت کتاب ایقان و فرائد و مطابقت نمودن با کتاب‌های بحار و اصول کافی، آن‌ها نیز دیگر حاضر نشدند.^۱ چون از این راه نتوانستیم مشکلات خود را حل نماییم، ناچاراً به همدان نوشتم چند جلد کتاب ردیه که یکی إحقاق الحق بود، وارد کردند. ردیه‌ها [را] نیز مراجعه کرده،

شاید بتوان گفت که جدا از روش‌های نادرست استدلالی که در دو کتاب ایقان (نوشته میرزا حسینعلی بهاء الله) و فرائد (نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی) دیده می‌شود، آگاهی از تحریف‌ها و تقطیع‌های عامدانه جدی و متعدد روایت‌های شیعی یا نقل‌های دیگر در این دو کتاب سبب شد تا آن‌ها به آیین بهائی گرایش نیابند.

کنار انداختیم.^۲

۱. شاید بتوان گفت که جدا از روش‌های نادرست استدلالی که در دو کتاب ایقان (نوشته میرزا حسینعلی بهاء الله) و فرائد (نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی) دیده می‌شود، آگاهی از تحریف‌ها و تقطیع‌های عامدانه جدی و متعدد روایت‌های شیعی یا نقل‌های دیگر در این دو کتاب سبب شد تا آن‌ها به آیین بهائی گرایش نیابند. برای آگاهی از گفتاری مقدماتی، نک: سید مقداد نبوی رضوی، مقدمه‌ای بر روش‌شناسی کتاب ایقان و کتاب فرائد. همچنین، باید دانست که کتاب دزد بگیر، بز بگیر (اثر شیخ علی ابیوردی و شیخ محمدجعفر دادخواه) از اساس برای نشان دادن این‌گونه کارهای ناروای بهاء‌الله و گلپایگانی در تحریف عامدانه روایت‌های اسلامی به نگارش درآمده است.

۲. کتاب إحقاق الحق للقائم بالحق نوشته آقا محمدتقی تاجر همدانی است که با تقریب ملا محمدکاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی به چاپ رسید. این کتاب ردیه‌ای

مبسوط برآموزه‌های بابی و بهائی است و از منابع شیخ احمد شاهرودی (صاحب ردیه‌هایی مهم بر بابیان و بهائیان) و مورد ستایش اوست.

با عنوانی بودند. شب‌ها، عده عده، مردم برای استماع و فحص کلام حضور می‌یافتند. هیچ‌گونه مانعی نیز قبلاً نبود. علماء بروجرد نیز متحیر بودند که این چه واقعه است، چه که اطلاعات کافی نداشتند، لهذا، از عراق و همدان چند جلد کتاب ردیه وارد، آن‌ها نیز جلساتی دایره و مذاکره در اطراف آن کتاب بنمایند. منظره تماشایی است. احباً بی‌اختیار هستند در اقامه برهان ثبوتیه؛ آقایان علماء نیز به همین نحو کوشش دارند برای گرفتن دلایل ردیه.



حاج آقا حسین بروجردی بر کرسی تدریس در قم
(نگارخانه علمای شیعه)
صاحب کتاب منتخب‌الآثریکی از برترین شاگردان او بود.

در اینجا بود که حاج آقا حسین بروجردی - که آن زمان، پس از شیخ حسین غروی، برترین عالم دینی بروجرود بود - به صحنه کارزار وارد شد:

چندی امورات به همین منوال گذشت. آقای حاجی آقا حسین طباطبایی که تازگی از نجف مراجعت کرده بود و دارای ورقه اجتهاد بودند، ایشان داوطلب شدند که خدمت به عالم اسلامی (به عقیده خود) نموده باشند، به این طریق که فرستادند لرستان یک عده متجاوز از پنجاه نفر سادات حزوی - که تیره‌ای از لرستان‌اند - وارد شدند، تمام مسلح، بام‌های بازار و مناره‌های مساجد را سنگریند نمودند. بعداً، دستور دادند که تمام شهر دکان‌ها را بسته، تعطیل عمومی نمایند و نیز اهالی، از سادات و علماء و اهالی، در مسجد سلطانی حضور یافته، برای شاهزاده رکن‌الدوله پیغام دادند و علاج این اجتماعات [را در] تبعید بنده با رییس تحدید و آقا میرزا باقرخان اظهار نمودند و از طرفی نیز الوار را محرک شده که مراقب باشند به محض این که ما را از شهر خارج کردند، الوار ما را دستگیر نمایند.

نظر به این که دوره جنگ بین‌المللی و انقلاب بود، الوار نیز بدون ترس و واهمه در شهر ایاب و ذهاب می نمودند؛ بازارها تعطیل، اهالی در مسجد سلطانی مجتمع، یک عده نیز مسلح، قسمت‌های شهر را سنگریندی کرده، بایستی دقت کرد که دارای چه منظره‌ای بوده است.

دهند، اجرا خواهم نمود.» لهدا، تلگرافی توسط نمایندگان به ساحت مجلس و هیئت وزراء نموده، تبعید یک عده اشخاص را تقاضا کردند. در اینجا نیز نتیجه نگرفتند.

از طرفی، اشخاص که تنها حضور در مجالس می نمودند، می دیدند که تمام مذاکرات، یا از اخبار نبوی است یا استدلالات از آیات قرآنی است؛ آن‌ها نیز به علماء سخت می گرفتند که: «آقا! اگر حضرت حجت ظاهر شده، شما چرا خاموش هستید و اگر ظاهر نشده، چرا مدعیان ظهور را قانع نمی‌نمایید؟»

آن زمان، شیخ حسین نجفی (غروی) که بزرگ عالمان دینی بروجرود بود، صاحب گفتار بالا را به مجلسی برای گفت و گو دعوت کرد، مجلسی که نگهبانان مسلح نیز داشت. پس از آن گفت و گوی بی نتیجه، عالمان دینی اعلامیه‌ای درباره گمراهی او منتشر کردند و مردم نیز از او دوری کردند اما پس از شش ماه، وضعیت به حالت عادی بازگشت و مردم نیز روابط خود را با وی برقرار کردند و شیخ نیز «که مراتب را به این نحو دید، دیگر ساکت گردید و متعرض نشد»:

اغلب شب‌ها، جلسات در منزل آقای نراقی و بنده دایر و اشخاص نیز برای استماع حاضر می شدند و عده احبّا نیز به قدری شده که موقعی که خواستیم ذخیره صندوق خیریه تهیه نماییم، قریب هزار تومان موجود گردید.

معاشرت ننمایید و مطالب مذهبی نیز مذاکره نکنید.»

به روایت صاحب گفتار بالا، با رفتن سردار محیی از بروجرد، مخالفان یکی از اشرار لرستان را «سیف الاسلام» لقب داده و به دست او، خانه بزرگ وی را غارت کرده و آن «عمارت» را «مخروبه» کردند. پس از آن، حاج آقا حسین بروجردی به مسافرت عتبات مصمم شد:

آقای حاجی آقا حسین مجتهد نیز حرکت به قریه اشتریان. که دو فرسخی بروجرد است. نموده که: «می خواهم مسافرت به عتبات نمایم.» قسمتی از علماء، طلاب و تجار و کسبه سواره با یک عده سینه زن لخت و برهنه پیاده رهسپار قریه مذکور شدند برای معاودت آقا. از طرفی نیز خوانین یاراحمدی. که رئیس آنها امیرامع است. با یک عده سوار و جمعیت حرکت و آقا را با تجلیل و احترامات وارد بروجرد نمودند.

گفتار بعدی گویای اهمیت تبلیغات آن بهائیان در بروجرد است:

در اینجا قدری دقت نمایم، خواهیم دید که کلمات الاهیه به قدری دارای هیمنه است که به فاصله قلیل مدتی پرده های گوش ساکنین بروجرد و توابع آن را مرتعش و افکار اهالی را متوجه خود نمود.

بالاخره، مرحوم غلام حسین خان نصرت السلطان - که از خوانین گودرز بودند - به اتفاق مرحوم جوادخان بیگلربیگی - که با بنده طرف معامله بودند - داوطلب شده که ما را سالم از شهر خارج و به نهاوند برسانند. فرستادند از دهات گودرز چند نفر تفنگچی آمده، کوه ها را قبلاً سنگر کرده، بعد، بنده به اتفاق آقای نراقی و میرزا باقرخان در وسط ظهر سوار شده، از شهر خارج شدیم. شب را مهمان حاجی امیرتومان در امیرآباد بودیم؛ بعد، وارد نهاوند شدیم. چند روزی در نهاوند بودیم.

در این میان، سردار محیی رشتی که از سوی مهاجران کرمانشاه (دولت مهاجرت) به حکومت بروجرد منصوب شده بود، در دیدار با آن بهائیان، به بازگشت دستورشان داد. با بازگشت ایشان به بروجرد،

«تمام علماء مسجد را تعطیل و در نماز جماعت حاضر نشده و قسم یاد نمودند که عموماً حرکت به عتبات نمایند.» سردار محیی نیز دستور داد تا صاحب گفتار بالا سه روز از شهر خارج شود. با قانع شدن عالمان دینی، سردار محیی نیز به بازگشت او دستور داد:

پس از پنج روز، سردار محیی فرستادند بنده رفته بروجرد، اظهار کردند که: «آقایان را راضی نموده ام به این شرط که شما بعداً با اشخاص متفرق

شاید بتوان گفت که جدا از روش های نادرست استدلالی که در دو کتاب ایقان (نوشته میرزا حسینعلی بهاء الله) و فراتند (نوشته میرزا ابوالفضل گلپایگانی) دیده می شود، آگاهی از تحریف ها و تقطیع های عامدانه جدی و متعدد روایت های شیعی یا نقل های دیگر در این دو کتاب سبب شد تا آنها به آیین بهائی گرایش نیابند.

با این ترتیب، دانسته می‌شود که تبلیغات بهائیان در بروجرد که از سال ۱۳۲۸ ق. آغاز شده بود، پس از حدود هفت سال، در سال ۱۳۳۵ ق.، روی به پایان گذاشت.

فراز و فرود بهائیت در بروجرد به روایت مسلمانان

روایت یکی از آگاهان دربارهٔ چگونگی مواجههٔ حاج آقا حسین بروجردی با تبلیغ‌های بهائیان در بروجرد این‌گونه است که او:

گذشته از وظیفهٔ تدریس و تألیف و تصنیف - که جزو برنامهٔ زندگی ایشان بود - هر سال، یک ماه مبارک رمضان را منبر می‌رفتند و با بیان رسا و احاطهٔ بسیار که در نقل اخبار و روایات و تاریخ گذشتگان داشتند، به موعظهٔ خلق می‌پرداختند؛ مخصوصاً، در شب‌های قدر

طوری بیانات ایشان مؤثر واقع می‌شد که مردم بی‌نهایت تحت تأثیر قرار می‌گرفتند.

یک سال، چند نفر از رؤسای ادارات بروجرد که بهائی بودند، طبق معمول آنها، با خدعه و نیرنگ و تقلب و تزویر، نخست پنهانی و کم‌کم به‌طور آشکار مشغول گمراه ساختن مسلمین و به قول خودشان سرگرم تبلیغ مسلک بهائی‌گری می‌شوند.

آیه‌الله نخست از راه قانونی وارد شده، عزل آن‌ها را خواستار و چون پافشاری مقامات بالاتر را مشاهده کردند، به صورت قهر از بروجرد خارج می‌شوند.

پایان این داستان، خروج ارکان تبلیغات بهائی از بروجرد بود:

بالاخره، بنده شب را با یک نفر شخص بهائی از بروجرد خارج و پیاده از جادهٔ غیرمعروف شش فرسنگ راه طی نموده تا صبح به قریه‌ای که معروف است به «جوراب» رسیده، چند روز را نزد نایب هدایه‌الله، که خود و عایله خیلی مؤمن و راسخ به

امر بودند. توقف؛ بعداً، رهسپار طهران شدیم. چند روز بعد، آقای نراقی نیز از بروجرد خود را نجات داده، به وسایلی رهسپار ملایر و نراق شدند. چندی بعد نیز اخوی، حاجی سید حسن، بر اثر شداید، ایشان نیز بروجرد را وداع و حرکت به طهران کردند. میرزا باقرخان نیز در منزل منزوی شدند تا این که زندگانی را وداع نمودند.^۱

صاحب گفتار بالا، بیست و پنج سال بعد، به تاریخ ۱۹ دی ماه ۱۳۲۰ ش. به نگارش آن پرداخت؛ بنابراین، زمان آن رخدادها را به حدود سال ۱۲۹۵ ش. (حدود ۱۳۳۵ ق.) باید بازگرداند. آن زمان، حدود شش سال از بازگشت حاج آقا حسین بروجردی از نجف می‌گذشت.

۱. اسدالله فاضل مازندرانی، تاریخ ظهور الحق، ج ۸، بخش نخست، صص ۱۷۴ تا ۱۹۷.

روایت یکی از نزدیکان حاج آقا حسین بروجردی آن است که آن بهائیان بروجرد که در اداره‌های دولتی حضور داشتند، حتی یکی از مدرسه‌های علوم دینی را خراب کرده و به جایش دبیرستانی ساخته بودند. بر این اساس بود که چون پی‌گیری‌های قانونی وی برای جلوگیری از کارهای ایشان به نتیجه نرسید، اعتراض آشکار و خروج از شهر را پیش روی خود قرارداد و حکومت مرکزی تهران را نیز به واکنش کشاند:

خبر عزیمت ایشان در اندک مدتی مردم شهر و نواحی اطراف را به تظاهرات و اجتماع در تلگراف‌خانه واداشت. دولت مرکزی، بعد از مشاهده این اوضاع، احساس خطر نموده و سعی در مراجعت ایشان به شهر می‌نماید. به زودی، محافل و مجالس آشکار بهائی‌ها تعطیل و افراد منحرف از ادارات شهر منتقل می‌گردند و ایشان با اعزاز تمام به شهر مراجعت می‌نمایند. معظم له در ماه رمضان همان سال، مدت یک ماه، روزها بعد از نماز، در مسجد سلطانی، به بحث درباره وجود مقدس حضرت بقیة الله الأعظم - اروحنا فداه - از جهات مختلف پرداختند.^۲

گزارش یکی از محققان نیز - که استاد دانشگاهی در اروپاست - در این باره چنین است:

هنوز چند فرسخی نرفته بودند که شهر منقلب شد و مردم برضد چند نفری که تبلیغ این مسلک پوشالی و مذهب من‌درآوردی را می‌کردند، شوریدند و این خود باعث می‌شود که مقامات دولتی آیه الله را با احترام به شهر برگردانند و آن افراد دغل باز را از آن حدود بیرون کنند.

در این موقع، ماه مبارک رمضان فرا می‌رسد. آیه الله یک ماه تمام درباره وجود مقدس امام زمان ارواحنا فداه. و اثبات طول عمر و علت غیبت و تأثیر وجود آن حضرت در عالم بشریت صحبت می‌کنند. برای تأمین این منظور، کتاب‌های معتبر علمای بزرگ اهل تسنن را به مسجد می‌آورند و در منبر، از روی آن‌ها راجع به امام زمان و مهدی موعود جهان از طرق خودشان. [که] از پیغمبر و صحابه آن حضرت نقل کرده‌اند و مطلب را مانند آفتاب نیم‌روز روشن ساخته‌اند. می‌خوانند و نتیجه می‌گیرند که اینان دانشمندان اهل تسنن و مخالفین ما هستند، درباره امام زمان چنین می‌گویند و این‌طور معتقد به مصلح حقیقی جهان می‌باشند! پس عقیده شیعه را کاملاً تشریح نموده و با بیانی جذاب حق مطلب را ادا می‌کنند به طوری که بیانات ایشان مؤثر واقع می‌شود که مردم می‌گویند: الحق در اثبات وجود حضرت حجت حجت را تمام کردند.»

بدین‌گونه، جلو انحراف مسلمانان و نیرنگ دغل‌بازان شیاد را می‌گیرند و به کلی سروصدای تبلیغ بهائی‌گری را از بروجرد محو می‌کنند.^۱

۱. علی دوانی، زندگانی زعییم بزرگ عالم تشیع، آیت الله بروجردی، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۲. سید جواد علوی، آیت الله بروجردی در بروجرد، ص ۳۸۳. نویسنده (سید محمدجواد علوی طباطبایی) داماد حاج آقا حسین بروجردی بود.

به بروجرد بازمی‌گردد. با فرا رسیدن ماه رمضان، بروجردی برای پیش‌برد آنچه او مقصود و هدف فعالیت دینی می‌داند، مرحله دوم مبارزه خود را با بحث پیرامون اثبات امام زمان آغاز می‌کند. کلام در مقابل کلام، جهت افناع. همان‌گونه که بررسی تطبیقی روایات مذاهب چندگانه اسلام سنت علمی او بود، بروجردی بحث خود را نخست با استناد به متون علمای اهل سنت آغاز می‌کند و سپس عقیده شیعه را در مورد امام زمان تشریح می‌کند.^۱

کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر

یکی از آثار حاج آقا حسین بروجردی کتابی با نام المهدی فی کتب أهل السنة است. در نگاه یکی از آگاهان، می‌توان گمان داشت که آن سخنرانی‌های مهدویت در ماه رمضان وی را بر آن داشته بود تا کتابی درباره مهدویت از نگاه اهل سنت بنویسد. به روایت یکی از شاگردان وی، «این تألیف آغاز شده بود اما در همان مراحل اولیه ناتمام مانده است.» این کتاب خاستگاه نگارش کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر شد.^۲ روایتی نیز که از قول او بازگفته شده، در همین مسیر جای می‌گیرد:

در این مدت [ماه رمضان]، به دقت روایات وارده در این باب را بررسی می‌نمودم و همین بحث‌ها،

۱. علی رهنما، نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی، صص ۱۰ و ۱۱. او استاد اقتصاد در دانشگاه آمریکایی پاریس است.

۲. رضا استادی، آثار و تألیفات آیت الله بروجردی، صص ۳۴۵ و ۳۴۶.



آیه الله شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی
در سال‌های جوانی
(مرکز بررسی اسناد تاریخی)

... بروجردی [در مقابل روش‌های سخت] رویه‌ای دیگر داشت. روایت است که در زمان اقامتش در بروجرد، چند تن از رؤسای ادارات آن شهر «سرگرم تبلیغ مسلک بهائی‌گری می‌شوند» و خبر به بروجردی می‌رسد. بروجردی اول از طرق قانونی اعتراض خود را به فعالیت آن‌ها پی‌گیری می‌کند. پس از دست نیافتن به مقصود خود، که جلوگیری از یارگیری ایشان بود. آیه الله قهر کرده و ناخشنودی خود را با خروج از بروجرد نشان می‌دهد. مقامات از ترس عکس‌العمل مردم نسبت به خروج بروجردی از شهر، خواسته او را برآورده کرده و او با احترام



آیه الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در سال‌های پایانی حیات
(نگارخانه علمای شیعه)

وظیفه خود تشخیص دادند که برای پاسخ به شبهات آنان، یک ماه رمضان درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الترتیب منبر بروند. آن بحث‌ها زمینه‌ای شد برای تألیف کتاب منتخب الأثر جناب آقای صافی.^۲

ملا محمدجواد صافی گلپایگانی از عالمان دینی سرشناس زمان خود بود و با حاج آقا حسین

۲. سید موسی شبیری زنجانی، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۵۷۸. نویسنده - که از مراجع تقلید سرشناس شیعیان است - این روایت را از شیخ حسن نوری (از عالمان فقیه حوزه علمیه قم) از قول حاج احمد خادمی - که از نزدیکان حاج آقا حسین بروجردی از دوره اقامت در بروجرد بود و در دستگاه ریاست دینی او جایگاه مدیریتی داشت. شنیده و بازگفته است.

بعدها در قم، سبب تدوین کتاب نفیس منتخب الأثر به وسیله علامه محقق آقای لطف الله صافی گلپایگانی گردید.^۱

روایت یکی از نزدیکان حاج آقا حسین بروجردی نیز آن است که پس از خروج بهائیان از بروجرد، او چنان می‌گفت که «چون جمعی را اضلال کرده‌اند و افکار عده‌ای از مردم تحت تأثیر شبهه‌پراکنی‌های آنان شده است، این اقدام کافی نیست»، لذا:

۱. سید جواد علوی، آیت الله بروجردی در بروجرد، ص ۳۸۳.

علمی حاج آقا حسین بروجردی در تبیین اندیشه مهدویت شیعی در بروجرّد و تصمیم او بر نگارش کتابی درباره مهدویت سنی (حدود سال ۱۳۳۵ ق.م)، گرچه به سرانجام نرسید، اما فکری را در ذهن او به وجود آورد که با انتقال آن به شیخ لطف الله صافی گلپایگانی و سپس نگارش مستقل کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر

در سال ۱۳۷۳ ق.م از سوی وی، عملی شد.

نتیجه گیری

کتاب منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر (نوشته فقیه تراز اول شیعی مذهب: آیه الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ۱۲۹۷ تا ۱۴۰۰ ش.) در میان آثاری که از سوی عالمان مذهب تشیع در شرح باورداشت مهدویت شیعی نوشته شده جایگاهی ویژه دارد. این از آن روست

که مطالعه تحلیلی آن کتاب انتساب باور به مهدویت و قائمیت امام دوازدهم را به پیامبر اسلام و امامان یازده گانه شیعیان به گونه ای قطعی و یقینی به دست می دهد. فکر نگارش این کتابی از مرجع تقلید بزرگ شیعیان و استاد نویسنده، آیه الله حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی، بود که به سبب مواجهاتش با تبلیغات بهائیان در بروجرّد

بروجردی دوستی دیرینی داشت و افزون بر آن، دو فرزندش، شیخ علی صافی گلپایگانی و شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، از برترین شاگردان آن فقیه تراز اول شناخته می شدند. به روایت صاحب کتاب منتخب الأثر:

کارهای علمی که حضرت آیت الله بروجردی به من ارجاع می دادند زیاد بود. کتاب منتخب الأثر که

درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریح است، با پیشنهاد ایشان نوشته ام. درباره بعضی از مسائل علمی و اعتقادی که به ایشان مراجعه می شد، بنده به دستور ایشان مطلبی می نوشتم که بعضی از آن ها چاپ شده است.^۱

در شرح گفتارهای بالا، باید گفت که بنا بر روایت صاحب کتاب منتخب الأثر برای این پژوهش، هیچ مکتوبی از سوی حاج آقا حسین بروجردی برای تدوین کار به

وی داده نشد و تنها با روایت منبرهای مهدویتی بروجرّد و پاسخ به بهائیان، انجام آن به وی پیشنهاد شد؛^۲ بنابراین، باید گفت که تکاپوهای

۱. مصاحبه با آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۱۴۸.

۲. این گفتار پس از مطالعه صورت نخستین این مقاله، از سوی حضرت آیه الله صافی گلپایگانی رحمته الله علیه و به واسطه حجة الاسلام و المسلمین شیخ محسن اکبری شاهرودی به نویسنده منتقل شد.

به ذهنش رسیده بود و از سوی او به نویسنده کتاب منتقل شد و جامه عمل پوشید. این کتاب را مناطی مبنایی برای سنجش تراز درستی هرگونه دعوی مهدی‌گرایانه می‌توان دانست، چرا که با آگاهی از هویت مهدی، این بر صاحب آن

کتابنامه

- ابیوردی، شیخ علی؛ دادخواه، شیخ محمدجعفر. دزد بگیر، بز بگیر. تهران، نشر راه نیکان، ۱۳۸۸.
- استادی، رضا. آثار و تألیفات آیت الله بروجردی، مندرج در: چشم و چراغ مرجعیت (مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی). به کوشش مجتبی احمدی و دیگران، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- فاضل مازندرانی، اسدالله. تاریخ ظهور الحق. ج ۸، بخش نخست، بی‌جا. مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ بدیع.
- مصاحبه با آیت الله شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، مندرج در: چشم و چراغ مرجعیت (مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی). به کوشش مجتبی احمدی و دیگران، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۸.
- نبوی رضوی، سید مقداد. مقدمه‌ای بر روش‌شناسی کتاب ایقان و کتاب فرائد، مندرج در: شیخ‌الممالک قمی، شیخ مهدی. تاریخ بی‌غرض (جنبش باب و جنبش مشروطیت به روایت مورخی بابی و مشروطه‌خواه)، به کوشش سید مقداد نبوی رضوی، پیوست سوم، تهران، نشر نگاه معاصر، ۱۳۹۹.
- دوانی، علی. زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع، آیت الله بروجردی. بی‌جا، نشر مطهر، ۱۳۷۱.
- رهنما، علی. نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی. تهران، انتشارات گام نو، ۱۳۸۴.
- شبیری زنجانی، سید موسی. جرعه‌ای از دریا. ج ۲، قم، مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۰.
- الصفی الکلیپایگانی، الشیخ لطف‌الله. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر. بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.